



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

تاریخ: ۲۵/ فرودین ۱۳۹۵

موضوع جزئی: اجزاء\_ مقام اول: اجزاء نسبت به امر خودش- تبدیل امتثال

مصادف با: ۵ رجب ۱۴۳۷

بررسی مورد دوم در شرع

جلسه: ۸۷

سال هفتم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### بررسی مورد دوم از شرع

مورد دوم از شریعات که بعضی به عنوان جواز تبدیل امتثال از آن یاد کرده‌اند، امر به اعاده نماز آیات در بعضی از اسباب آن مثل خسوف یا کسوف است که تا حدی استمرار دارد و مدتی طول می کشد که پدیده ماه گرفتگی یا خورشید گرفتگی تمام شود. لذا در بعضی روایات امر به اعاده نماز آیات تا زمان پایان یافتن این اسباب شده است. به عبارت دیگر: وقتی خسوف اتفاق می افتد نماز آیات در یک فاصله زمانی یک بار واجب می شود، لکن در روایت<sup>۱</sup> صحیحه ای با تعبیر «فاعد» امر به اعاده نماز آیات تا زمان «انجلاء» شده است. هر چند محتمل است که «فاعد» دال بر تکرار اعاده تا ظهور «انجلاء» باشد؛ لکن قدر متیقن از «اعد»، اعاده نماز آیات برای بار دوم است. یعنی منظور روایت این نیست که نماز آیات به صورت مکرر، از زمان وقوع خسوف تا انتهای آن ادامه پیدا کند. به هر حال نفس امر به اعاده نماز آیات در فاصله زمانی مشخص، دال بر جواز تبدیل امتثال است. زیرا با تحقق خسوف نماز آیات واجب شده ولی چون در این روایت امر به اعاده نماز شده و امر به اعاده، ظهور در وجوب اعاده دارد، کانه از این روایت مشروعیت تبدیل امتثال استفاده می شود. بلکه می توان گفت: در خصوص این مورد، وجوب تبدیل امتثال استفاده می شود. زیرا مکلف دفعه اول نماز را خوانده و بعد دستور به تکرار نماز داده شده و این غیر از نمازی است که دفعه اول خوانده است.

بنابراین، این روایت دال بر جواز تبدیل امتثال در نماز آیاتی است که به سبب خسوف و کسوف واجب می شود.

همان طور که اشاره شد هر چند کلمه «اعد» به عنوان هیئت افعال ظهور در وجوب اعاده دارد اما یقین داریم که مقصود از «اعد» استحباب اعاده است نه وجوب اعاده. لذا کمتر کسی از فقها قائل به وجوب اعاده شده است. اما باید دید که این استحباب اعاده دال بر جواز تبدیل امتثال می باشد یا خیر؟ در مسئله تبدیل نماز فرادی به نماز جماعت نیز همین بحث مطرح بود و همان اشکال و نکته ای که در مورد تبدیل نماز فرادی به نماز جماعت گفتیم در ما نحن فیه نیز جریان پیدا می کند.

در پاسخ به مورد اول یکی از اموری که مطرح کردیم این بود که به طور کلی مسئله تبدیل امتثال در فرضی مطرح است که یک حکم داشته باشیم و این حکم یک بار توسط مکلف امتثال شده باشد و اکنون مکلف برای بار دوم قصد امتثال همان امر و همان حکم را دارد و می خواهد امتثال دوم را جایگزین امتثال اول نماید به نحوی که امتثال اول را کالعدم تصور کند. در مقام پاسخ بیان شد که تصور این صورت عقلا محال است.

<sup>۱</sup> و سائل ج ۵ ابواب نماز آیات

ولی جایی که دو حکم وجود داشته باشد اصلاً موضوع تبدیل امتثال منتفی است. لذا مقتضای تحقیق آن است که در ما نحن فیه دو امر و دو حکم موجود می باشد، یکی حکم به وجوب نماز آیات به سبب خسوف و کسوف و یکی حکم استحباب اعاده نماز آیات در زمان تداوم خسوف و کسوف. و بدیهی است که موضوع این دو حکم با هم متفاوت است، موضوع حکم اول یعنی وجوب نماز آیات، طبیعت نماز آیات است و طبیعت نماز آیات با کیفیتی که متعلق وجوب است با امتثال اول به نماز آیات محقق می گردد و امر آن ساقط می شود. مثل آن جا که شارع دستور می دهد، هنگام ظهر باید نماز ظهر بخوانید. وقتی مکلف نماز ظهر را اتیان می کند امر به نماز ظهر ساقط می شود، زیرا امر به طبیعت متعلق شده و طبیعت هم با اتیان به «فرد ما» محقق می شود. لذا امر به طبیعت نماز آیات با امتثال اول ساقط می شود و حکم از بین می رود. این موضوع حکم اول و امر اول که ساقط می شود.

اما امر دوم و حکم دوم موضوع دیگری دارد. حکم، استحباب اعاده و موضوع اعاده است. پس وقتی هم حکم و هم موضوع فرق کند قهراً دیگر زمینه‌ای برای تبدیل امتثال باقی نمی ماند. زیرا همانطور که بیان شد تبدیل امتثال در جایی معنا دارد که یک حکم و یک موضوع باشد و مکلف موضوع حکم را اتیان کند آن گاه بحث از این است که آیا می تواند برای بار دوم همان حکم را امتثال کند؟ در جلسه قبل بیان شد که این محال است زیرا با امتثال اول آن حکم ساقط می شود و دیگر امری نیست که بخواهد آن را امتثال کند.

لذا روایتی که مستدل به عنوان شاهد بر جواز امتثال بیان نموده، دو حکم و دو موضوع دارد که امتثالشان توسط مکلف کاملاً مستقل از هم می باشند. بنابراین در مانحن فیه بحث تبدیل امتثال به امتثال دیگر نیست بلکه دو امتثال مستقل و متفاوت است که موضوع متفاوت دارند. یکی نماز آیات است و دیگری اعاده آن است، همانند آنچه در نماز فرادی و جماعت بیان شد که طبیعت نماز ظهر واجب است ولی به جماعت خواندن نماز ظهر مستحب است. پس وقتی مکلف نماز ظهر را به صورت فرادی می خواند طبیعت نماز ظهر را تحقق بخشیده و بوسیله اتیان او امر به نماز ظهر ساقط شده و دیگر حکمی باقی نمانده است. اما وقتی جماعتی در کنار او تشکیل می شود مستحب است که نماز ظهرش را به صورت جماعت اعاده کند یعنی طبیعت نماز ظهر مقید به نماز جماعت. پس در حقیقت دو حکم و دو موضوع در مانحن فیه وجود دارد و لذا دیگر بحث از تبدیل امتثال معنا ندارد.

### **نتیجه**

دو موردی که به عنوان دلیل اثباتی بر جواز تبدیل امتثال مطرح شده، هیچ کدام نمی توانند شاهد و دلیل بر جواز تبدیل امتثال باشند. پس همانطور که امتثال عقیب الامتثال جایز نیست، تبدیل امتثال هم جایز نیست و روایت هم اگر به نوعی دال بر جواز تبدیل امتثال باشد، باید آن را بر خلاف ظاهرش حمل کنیم تا مضمون روایات مطلبی نباشد که محال عقلی است.

### **تصویر معنای دیگر از تبدیل امتثال**

همانطور که بیان شد منظور از تبدیل امتثال همان معنای ظاهری متفاهم از این جمله است. تبدیل امتثال یعنی این که امر مولا با فعل مکلف، انجام شده و عنوان امتثال بر آن عمل منطبق گردیده. حال بحث این است که آیا می توانیم عنوان امتثال را از عملی که سر زده برداریم و بگذریم روی عمل و فعل دوم. به عبارت دیگر: عملی محقق شده و با توجه به اینکه واجد همه شرایط بوده، آن عمل را معنون به عنوان امتثال کردیم و گفتیم این امتثال امر محسوب می شود. حال در بحث از تبدیل امتثال سخن این است که عنوان امتثال را از فعل اولی مکلف رفع کرده و آن را تطبیق کنیم بر عمل و فعل دیگری که از مکلف سر زده به این معنا که

عمل دوم را امتثال بدانیم نه عمل اول را. البته همانطور که بیان شد این مسئله عقلا ممکن نیست؛ چه امتثال مکلف را علت تامه حصول غرض بدانیم چه ندانیم، بر خلاف محقق خراسانی که ایشان در صورتی که امتثال علت تامه حصول غرض مولا نباشد، تبدیل امتثال را جایز دانستند. لکن همانطور که بیان شد به طور کلی تبدیل امتثال جایز نیست.

اما بعضی از بزرگان معنای دیگری برای تبدیل امتثال ذکر کرده‌اند که غیر از معنای ظاهری این عنوان است. ایشان می‌فرمایند: منظور از تبدیل امتثال در این مسئله یعنی اینکه بعد از آنکه مکلف عمل را همان گونه که خواست مولا بود اتیان نمود؛ آیا می‌تواند فرد دیگری را به نحو عبادی برای همان امر مولا اتیان کند و با آن فرد دوم قصد قربت نماید تا آنچه را که غرض غایی و نهایی مولا است تحصیل کرده باشد و این عمل را به عنوان امتثال واقعی به حساب بیاورد.

طبق این معنا در واقع اگر مکلف به همان عمل اول اکتفا کند هیچ مشکلی بوجود نمی‌آید و آن عمل اول به جای خودش محفوظ است زیرا واقعا امتثال امر مولا صورت گرفته. لکن طبق فرض می‌خواهیم یک امتثال واقعی که محصل غرض نهایی امر مولا است را انجام دهیم. آیا این عمل جایز است یا خیر؟

به عبارت دیگر جدا از معنای این الفاظ به خاطر محذوراتی که دارد، آیا اساسا عملی که مطابق شرایط مورد نظر شارع انجام شد، می‌تواند دوباره به صورت یک عمل عبادی اتیان شود تا غرض نهایی مولا را تحصیل کند؟ اینجا دیگر بحث تبدیل امتثال مطرح نیست بلکه جواز اتیان به فرد آخر به نحو عبادی قریبی که قابلیت این را دارد که عنوان امتثال واقعی بر او منطبق شود مطرح است.<sup>۱</sup>

این تصویری از این بحث است که راه برای جواز در آن باز است. چند وجه در آن مطرح شده که به جهت اطاله کلام از آن خود داری می‌کنیم.

### **فضیلت زیارت امام حسین (ع) و امام رضا (ع) در ماه رجب**

یکی از اعمال سفارش شده در ماه مبارک رجب زیارت امام حسین (علیه‌السلام) و امام رضا (علیه‌السلام) می‌باشد. زیارت ائمه بویژه زیارت امام حسین (علیه‌السلام) و علی ابن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) در ماه رجب مستحب و دارای اهمیت است. زیارت ائمه هدی مخصوصا اگر همراه با معرفت به حق امامان معصوم و به همراه اقرار و اعتراف به حق آنها باشد هم خیلی ارزشمند و سازنده است و هم پاداش اخروی فراوان نصیب انسان می‌کند. البته برکاتی که زیارت معصومین (علیهم‌السلام) نصیب انسان می‌کند، بستگی به حدی دارد که انسان خودش را در این وادی وارد می‌کند. اگر ظرف وجودی و فکر و ذهن انسان کوچک باشد دریافت هم کم می‌باشد. اگر با یک روحیه آماده و بزرگتر خدمت آن بزرگواران برسد قهرا دریافت انسان از معصومین (علیهم‌السلام) بیشتر خواهد بود. اهل بیت (علیهم‌السلام) اهل فیض می‌باشند منتهی ظرف وجودی انسان گاهی برای فیوضات آنها کوچک است. این مطلب خیلی مهمی است که وقتی انسان به زیارت معصومین (علیهم‌السلام) می‌رود ظرف جودیش را ظرفی قرار دهد که وقتی فیضی برای او سرازیر شود زود لبریز نشود. لذا انسان باید قابلیت خود را بالا ببرد تا بتواند از سرچشمه فیوضات اهل بیت کمال استفاده را ببرد. اگر انسان ظرف وجودیش کوچک باشد سریعا لبریز می‌شود. منظور از ظرف بزرگ و

<sup>۱</sup> منتهی الاصول ج ۲ ص

ظرفیت وسیع در هنگام زیارت فهرست کردن خواسته ها نیست، بلکه مهم عمق خواسته‌ها و نیازهای انسان است نه کثرت و تعدد خواسته و نیازها. عمق و نیاز انسان مهم است و هر چه ظرف معرفتی بیشتر باشد قهرا فیض به همان میزان بیشتر است. علی ای حال زیارت ائمه همیشه مستحب است ولی در ماه رجب زیارت امام حسین و امام رضا خیلی توصیه شده. امام جواد (علیه السلام) می فرماید: زیارت امام رضا (علیه السلام) در همه ایام خوب است اما با فضیلت ترین ایام ماه رجب است مخصوصا بیست هفت رجب که زیارت مخصوصه دارد و یا در مورد زیارت امام حسین (علیه السلام) یک بابی را مرحوم صاحب وسائل در وسائل باز کردند به عنوان «باب تاکد زیارت الحسین فی اول رجب و نصفه منه» آثار و برکاتی برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در این ایام نقل شده است. بزنتی می فرماید: از اما رضا پرسیدم که در کدام ماه امام حسین را زیارت می کنید؟ ایشان می فرمایند: نیمه رجب و نیمه شعبان.

به هر حال در ماه رجب در کنار کارهایی که وارد شده. زیارت ائمه مخصوصا امام حسین و امام رضا (علیهما السلام) نیز وارد شده است. البته زیارت معصومین (علیهم السلام) لزوما از نزدیک نیست و اگر شخصی توفیق زیارت از راه نزدیک را ندارد از راه دور نیز می تواند زیارت ائمه را بجا بیاورد.

«الحمد لله رب العالمین»